

رابطه خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش آموزان

نرجس خاتون ذبیحی حصارى^۱، محمدرضا چاچى^۲، على زارع مقدم^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۶ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۳۰

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش آموزان است. مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان خوسف است و تعداد ۳۱۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه خردمندی آردلت، پرسشنامه بهزیستی روان‌شناختی ریف و پرسشنامه سرزندگی تحصیلی دهقانی‌زاده و حسین چاری بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد. نتایج نشان داد بین خردمندی با سرزندگی تحصیلی و بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، مؤلفه‌های انعکاسی و عاطفی خردمندی پیش‌بینی‌کننده بهزیستی روان‌شناختی بودند و مؤلفه‌های شناختی و انعکاسی پیش‌بینی‌کننده سرزندگی تحصیلی بودند. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که خردمندی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌ای قابل‌اعتماد برای بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در بین دانش‌آموزان است و دانش‌آموزان خردمند از بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی بالاتری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: خردمندی، بهزیستی روان‌شناختی، سرزندگی تحصیلی، دانش آموزان

مقدمه

تلاش در راستای درک بهزیستی و اهداف آن مسئله‌ای جدید نمی‌باشد، بلکه مسئله‌ای است که همیشه و در سرتاسر تاریخ توجه و علاقه را به خود جذب کرده است (مک‌ماهون^۴، ۲۰۰۶). در برخی موارد، تمام اقدامات روان‌شناسی و پزشکی، همانند اقدامات سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی سعی در افزایش کیفیت زندگی افراد به عنوان یکی از اهداف اصلی خود دارند (وازکیوز^۵، ۲۰۰۹b). در حقیقت، افراد تصمیمات فراوانی را با افزایش

۱. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تربت حیدریه، ایران (نویسنده مسئول): Zabihi_n@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه پیام نور، تربت حیدریه، ایران

۳. عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی مرکز نهبندان، نهبندان، ایران

4. McMahon

5. Vazquez

میزان خرسندی و شادی به دست آمده توسط خود یا افراد محبوب اتخاذ می‌کنند (گیلبرت^۱، ۲۰۰۶). از طرفی دیگر، با توجه به دلایل مرتبط با جامعه‌شناسی علوم و توسعه‌ی حرفه‌ای رشته‌های علمی، تمرکز اقدام برای سلامت حیطة‌ها از لحاظ تاریخی بیشتر بر روی کاهش درد، رنج، و کاستی‌ها به جای رشد توانایی‌های جمعی و فردی می‌باشد (وازیوز، ۲۰۰۹b). بهزیستی روان‌شناسی مرتبط با سلامت روانی مثبت است (ادواردز^۲، ۲۰۰۵). مدل ریف به عنوان یکی از مهم‌ترین مدل‌ها در زمینه‌ی بهزیستی روان‌شناسی حساب شده است. ریف (۱۹۸۹) بهزیستی روان‌شناسی را به عنوان تلاشی در راستای تشخیص توانایی‌های بالقوه‌ی یک فرد، یا به عبارتی دیگر پیشرفت استعدادهای بالقوه و واقعی هر شخص در نظر می‌گیرد. وی ۶ جزء را برای بهزیستی روان‌شناسی بیان می‌دارد؛ از جمله: ۱- خویشتن‌پذیری: به معنای نگرش مثبت نسبت به خود و پذیرش جنبه‌های گوناگون شخصی همانند صفت‌های خوب و بد است و دارای احساسی مثبت نسبت به زندگی گذشته است. ۲- ارتباطات مثبت با دیگران: دارا بودن حسی از رضایت و صمیمیت یک فرد با دیگران و درک اهمیت این وابستگی‌ها. ۳- خودپیروی: دارا بودن حسی از استقلال و برداشت (خیال) در رویدادهای زندگی و نقش فعال در رفتارها. ۴- تسلط زیست‌محیطی: به معنای حس تسلط بر محیط‌زیست، کنترل فعالیت‌های بیرونی، و پذیرش مزیت فرصت‌های اطراف است. ۵- داشتن هدف در زندگی: داشتن هدفی در زندگی و اعتقاد به این مسئله که مقصودی در زندگی گذشته و حال وجود دارد. ۶- رشد شخصی: احساس دارا بودن رشد مداوم و دسترسی به تجارب تازه به عنوان خالق بااستعدادهای بالقوه (خواجه و همکاران، ۲۰۱۲). می‌توان گفت که بهزیستی و سلامت روانی که از متغیرهای اساسی در روان‌شناسی مثبت‌گرا هستند با رشد خرد همبسته هستند. خرد نمی‌تواند در خلأ رشد یابد بنابراین در طی التزاماتی از زندگی، سختی و آشفتگی‌هایی که همیشه موجودند، ظاهر می‌شود. خرد فقط تجارب اندوخته شده نیست، در عوض تجربه‌های دشوار یا چالش‌برانگیز، اجازه می‌دهند که خرد رشد یابد (وبستر، ۲۰۰۳). از طرفی دیگر خرد در زندگی واقعی اکثر افرادی یافت می‌شود که مشکلات زندگی واقعی‌شان را با موفقیت حل‌وفصل می‌کنند و دید عملی و زندگی خوبی دارند (یانگ^۳، ۲۰۰۸). افراد خردمند به واسطه ارزش‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا برانگیخته می‌شوند، آن‌ها به تمامیت خود دست می‌یابند و

1. Gilbert
2. Edwards
3. Yang

به‌طور پیوسته دید مثبت و یکپارچه‌ای از خود در زندگی دارند که منجر به انسجام هویتی در آن‌ها می‌شود (وبستر^۱، ۲۰۱۰).

از طرفی دیگر انطباق و سازگاری با فرصت‌ها و چالش‌های تحصیلی موردتوجه پژوهشگران تعلیم و تربیت بوده است. سازگاری در موقعیت‌های آموزشی که از آن تحت عنوان سازگاری تحصیلی یاد می‌شود، به توانمندی فراگیران در انطباق با شرایط و الزامات تحصیل و نقش‌هایی که مدرسه به عنوان یک نهاد اجتماعی فراروی آن‌ها قرار می‌دهد، تعریف می‌شود (پیتوس^۲، ۲۰۰۶). سرزندگی تحصیلی به پاسخ مثبت، سازنده و انطباقی به انواع چالش‌ها و موانعی که در عرصه‌ی مداوم و جاری تحصیلی، تجربه می‌شوند اشاره دارد (پوتواین، کونورس، سیمز و داگلاس- اُسبورن^۳، ۲۰۱۱). سرزندگی تحصیلی پاسخ مثبت، سازنده و انطباقی به انواع چالش‌ها و موانعی که در عرصه‌ی مداوم و جاری تحصیلی، تجربه می‌شوند؛ اشاره دارد. سرزندگی تحصیلی، توانایی برخورد با چالش‌ها و موانع زندگی روزانه تحصیلی است. مدارس و دیگر محیط‌های آموزشی مکان‌هایی هستند که در آن‌ها چالش‌های تحصیلی، موانع و فشارها، حقیقت پایدار زندگی تحصیلی هستند و پژوهش‌های انجام‌شده به‌طور واضح این امر را حمایت می‌کنند (عریضی، عابدی و تاجی، ۱۳۸۶). خرد هنگامی رشد می‌یابد، که افراد در فرایندهای یادگیری درس‌هایی که در داخل و خارج از کلاس‌ها یا در دانشگاه و در طی زندگی‌شان یاد می‌گیرند، درگیر شوند، روی آن‌ها فکر کنند، آن‌ها را ترکیب کنند و به‌کارگیرند (گرین و براون^۴، ۲۰۰۹). همچنین کمک به فراگیران در محیط آموزشی برای تدریس دانش همراه با خرد مفید است و تدریس تفکر خردمندانانه و محاوره‌ای باعث می‌شود که آنان به درک علایق و ایده‌هایشان از چشم‌اندازهای گوناگون بپردازند. با تدریس تفکر خردمندانانه یادگیرندگان می‌توانند بین علایق خود و دیگران تعادل برقرار کنند و علاقه به دیگران را یاد بگیرند. همچنین، یاد بگیرند که چطور به مسائل مهم زندگی در زمان‌های مختلف زندگی خود مثلاً رفتن به دانشگاه پاسخ دهند (استرنبرگ، ۲۰۰۴).

مطالعه بایلی (۲۰۰۹) نشان داد که خرد، تأثیر مثبتی بر سلامت جسمانی و کیفیت روابط خانوادگی دارد. همچنین آردلت (۲۰۰۰) دریافت که برخلاف نظریه موقعیتی (جانسون، ۱۹۹۵) متغیر نهفته خرد در مقایسه با سایر

-
1. Webster
 2. Pettus
 3. Putwain, Connors, Symes & Douglas- Osborn
 4. Greene & Brown

شاخص‌های کیفیت زندگی (برای مثال سلامت جسمانی، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، امکانات مالی، محیط فیزیکی و دل‌مشغولی‌های اجتماعی) اثر نیرومندتری بر سلامت و رضایت از زندگی سالمندان دارد. نیکوگفتار و سعیدی (۱۳۹۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که هر سه مؤلفه خردمندی شامل ژرف‌نگری، شناختی و عاطفی رابطه معنادار با زیر مقیاس‌های سلامت عمومی و نمره کل آن داشتند. آردلت^۱ (۲۰۱۱) معتقد است به‌رغم دشواری در تعریف خردمندی، میان پژوهشگران و صاحب‌نظران این حوزه نوعی توافق کلی وجود دارد مبنی بر اینکه، خردمندی مشتمل بر دانش شناختی، درک و بینش، تفکر تأملی و تلفیقی از دیدگاه فرد و منابع فردی در تعامل با منافع و رفاه دیگران است. در همین راستا یانگ (۲۰۱۳) عنوان می‌کند خردمندی متشکل از سه مؤلفه کلیدی انسجام شناختی^۲، عینیت یافتن در عمل^۳ و تأثیرگذاری مثبت بر خود و دیگران در درازمدت برای حفظ مصالح جمعی است.

روان‌شناسی مثبت‌گرا یکی از جنبه‌های تازه و جدید در پژوهش‌های روان‌شناسی است که به دلیل تغییر نوع نگاه به متغیرهای روان‌شناسی می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی در بهبود شرایط روانی و کاهش اختلالات روانی داشته باشد. بهزیستی روان‌شناختی، حالت روانی است که از احساس رضایت از روابط نزدیک بین فردی در موقعیت‌های مهم شغلی و اجتماعی حاصل می‌گردد و شامل احساس عمومی و سلامت هیجانی مانند عزت‌نفس، روابط مثبت با دیگران و پایین بودن اضطراب، افسردگی و رفتارهای اجتنابی می‌باشد. از طرفی دیگر نیز دانش‌آموزان در طول دوران تحصیل خود با چالش‌های زیادی روبرو می‌شوند که برای مقابله با این چالش‌ها و تهدیدها نیازمند سازگاری تحصیلی هستند و از آنجایی که دانش‌آموزان در اکثر مواقع به دنبال موفقیت تحصیلی هستند و این موفقیت نیازمند رو به رو شدن و فائق آمدن بر مشکلات، چالش‌ها و تهدیدهایی در دوران تحصیل است، بنابراین سرزندگی تحصیلی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین اغلب تصور می‌شود که افراد خردمند، دارای سلامت روان‌شناختی‌اند، شخصیت یکپارچه و رشد یافته‌ای دارند و قادرند با ناملايمات زندگی شامل تحلیل قوای جسمانی و نزدیک شدن به مرگ کنار بیایند (آسمان، ۱۹۹۴). بنابراین با توجه به مطالب گفته شده،

1. Ardelt
2. Cognitive integration
3. Embodiment in action

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان شهرستان خوسف است.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان متوسطه دوم شهرستان خوسف در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ می‌باشد که حجم کل جامعه آماری بنا بر آمار سازمان آموزش و پرورش ۱۲۰۰ نفر (۵۰۰ پسر و ۷۰۰ دختر) است. از این تعداد ۲۹۳ نفر (۱۲۰ پسر و ۱۷۳ دختر) براساس فرمول کوکران برای نمونه با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. ابتدا از بین مدارس شهرستان، تعدادی مدرسه انتخاب و سپس به صورت تصادفی، از بین آنها چندین کلاس مشخص شد و سپس از بین دانش‌آموزان آن کلاس‌ها، ۲۹۳ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند. برای جلوگیری از ریزش احتمالی تعداد ۳۰۰ پرسشنامه بین دانش‌آموزان توزیع شد که پس از حذف پرسشنامه‌های فاقد اعتبار، تحلیل بر روی ۲۹۳ نفر انجام شد. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه خردمندی آردلت (۲۰۰۳)، بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) و سرزندگی تحصیلی دهقانی زاده و حسین چاری (۱۳۹۱) بود که در ادامه شرح داده شده است.

مدل سه‌بعدی خردمندی آردلت^۱: آردلت (۲۰۰۳) با پیروی از سنت‌های کلاسیک ارزیابی شخصیت یک مقیاس خود گزارشی (مقیاس سه‌بعدی خردمندی؛ 3D-WS) ارائه کرد که سه بعد خردمندی را می‌سنجد. این مقیاس از ۳۹ گویه و ۳ خرده مقیاس شناختی، انعکاسی و عاطفی تشکیل شده است. نمره‌گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای (کاملاً مخالفم=۵ تا کاملاً موافقم=۱) است. همچنین برای تعدادی از گویه‌ها نمره‌گذاری بصورت طیف لیکرت ۵ نقطه‌ای (کاملاً در مورد من صحیح است=۱، تا حدودی در مورد من صحیح است=۲، نظری ندارم=۳، تا حدودی در مورد من صحیح نیست=۴ و اصلاً در مورد من صحیح نیست=۵) است. مقیاس سه‌بعدی خردمندی همبستگی مثبت و معنی‌داری با تسلط، بهزیستی ذهنی، هدف‌زندگی، سلامت ذهنی و روابط منفی با علائم افسردگی، اجتناب از مرگ و احساس فشار اقتصادی دارد (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۲). در پژوهش آردلت (۲۰۰۳) نیز در ارزیابی روایی این ابزار مورد تایید قرار گرفته است و برای پایایی آلفای کرونباخ ابعاد شناختی، تأملی و عاطفی به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۵ و ۰/۶۶ در نمونه دانشجویی و ۰/۷۸، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ در نمونه سالمندان به دست آمده است. آلفای کرونباخ مجموع ۳ بعد خردمندی در نمونه دانشجویی ۰/۷۲ و در

1. The 3D Wisdom Model of Ardelt

نمونه سالمندان ۰/۶۶ بوده است. در این پژوهش میزان ضریب آلفای کرونباخ برای مولفه شناختی ۰/۶۴، برای مولفه انعکاسی ۰/۵۸، برای مولفه عاطفی ۰/۶۲ و برای کل پرسشنامه ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه بهزیستی روان شناختی^۱: ریف (۱۹۸۹) برای اندازه‌گیری سازه بهزیستی روانشناختی پرسشنامه-های ۲۰ سؤالی، ۱۴ سؤالی، ۹ سؤالی و ۳ سؤالی را طراحی کرد. پس از بررسی‌های اولیه نسخه اصلی مقیاس بهزیستی روان شناختی با ۸۴ سؤال تهیه شد. این پرسشنامه ۶ مؤلفه اصلی الگوی بهزیستی روان شناختی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و بنابراین دارای ۶ زیر مقیاس (هر زیر مقیاس شامل ۱۴ عبارت) است. آزمودنی باید در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالف تا کاملاً موافق به سؤالات پاسخ دهد. که در پژوهش میکائیلی منیع (۱۳۸۹) ویژگی‌های روان شناختی این ابزار بررسی و تأیید شده است. شیوه نمره‌گذاری گزینه‌های مقیاس‌های بهزیستی روان شناختی ریف برای کاملاً مخالف ۱، مخالف ۲، بی‌نظر ۳، موافق ۴ و کاملاً موافق ۵ بوده که برای به دست آوردن نمره مربوط به هر زیر مقیاس، نمره همه عبارات مربوط به آن زیر مقیاس باهم جمع می‌شوند. از جمع امتیاز ۸۴ عبارت نیز نمره بهزیستی روان شناختی کلی به دست می‌آید. ریف (۱۹۸۹) به منظور هنجاریابی مقیاس‌های روان شناختی این آزمون را بر روی نمونه‌ای ۳۲۱ نفری اجرا کرد. وی ضریب همسانی زیر مقیاس‌های این پرسشنامه را بدین شرح گزارش کرده است: پذیرش خود ۰/۹۳، روابط مثبت با دیگران ۰/۹۱، خودمختاری ۰/۷۶، تسلط بر محیط ۰/۹۰، زندگی هدفمند ۰/۹۰ و رشد فردی ۰/۸۷. بیانی و همکاران (۱۳۸۷) نیز به منظور هنجاریابی مقیاس‌های بهزیستی روان شناختی در ایران آن را بر روی نمونه‌ای متشکل از ۱۴۵ دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر اجرا کردند. ضریب پایایی به روش باز آزمایی مقیاس بهزیستی ریف ۰/۸۲ و خرده مقیاس‌های پذیرش خود ۰/۷۱، روابط مثبت با دیگران ۰/۷۷، خودمختاری ۰/۷۸، تسلط بر محیط ۰/۷۷، زندگی هدفمند ۰/۷۰ و رشد فردی ۰/۷۸ به دست آمده است. همبستگی مقیاس‌های بهزیستی روان شناختی با تعدادی از ابزارهای سنجش بهزیستی حاکی از روایی این پرسشنامه بوده است. برخی از این همبستگی‌ها به شرح ذیل است: همبستگی با مقیاس تعادل عاطفی بین ۰/۲۵ (زیر مقیاس رشد فردی) تا ۰/۶۲ (زیر مقیاس تسلط بر محیط)، همبستگی با مقیاس رضایت از زندگی بین ۰/۲۸ (زیر مقیاس خودمختاری) تا ۰/۷۳ (زیر مقیاس پذیرش خود)، همبستگی با مقیاس عزت نفس روزنبرگ بین ۰/۲۹ (زیر مقیاس رشد فردی) تا ۰/۶۲ (زیر مقیاس پذیرش خود) و همبستگی با مقیاس افسردگی زونک ۰/۶۰- زیر مقیاس تسلط بر محیط) و ۰/۳۳- (زیر مقیاس زندگی هدفمند) و با ۴ مقیاس دیگر همبستگی مثبت داشته است. در این پژوهش میزان ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۹۰ به دست آمد.

1. Psychological well-being questionnaire

پرسش‌نامه سرزندگی تحصیلی^۱: دهقانی زاده و حسین چاری (۱۳۹۱) پرسشنامه سرزندگی تحصیلی را با الگوگیری از مقیاس سرزندگی تحصیلی مارتین و مارش^۲ (۲۰۰۶) که دارای ۴ گویه است، توسعه دادند. برای اجرای این مقیاس در فرهنگ ایرانی، ابتدا یک متخصص رشته روان‌شناسی و یک متخصص در رشته زبان انگلیسی متن سؤال‌های مقیاس را به فارسی ترجمه کردند. بعد از ترجمه گویه‌های مقیاس مارتین و مارش (۲۰۰۶) تعدادی گویه بر اساس فرم اصلی مقیاس بازنویسی شدند و در مورد گویه‌ها از اساتید روان‌شناسی تربیتی نظرخواهی شد. برای اجرای مقدماتی و رفع نقیصه‌ها، این گویه‌ها بر روی گروهی از دانش‌آموزان (۳۰ دختر و ۳۰ پسر) دبیرستانی شهرستان مهریز، اجرا شد. پس از اجرای این گویه‌ها نسخه نهایی مورد بازنویسی قرار گرفت که حاصل بازنویسی ۱۰ گویه بود. سپس گویه‌های مذکور بر روی یک نمونه ۱۸۶ نفری اجرا شده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است. نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده با حذف گویه ۸، برابر با ۰/۸۰ و ضریب بازآزمایی برابر با ۰/۷۳ بود. همچنین دامنه همبستگی گویه‌ها با نمره کل بین ۰/۵۱ تا ۰/۶۸ بوده است. این نتایج بیانگر این است که گویه‌ها از همسانی درونی و ثبات رضایت بخشی برخوردارند. به‌منظور بررسی ساختار عاملی (روایی سازه) پرسشنامه از تحلیل مؤلفه اصلی با چرخش متعامد واریماکس در سطح گویه استفاده شد. نتایج کلی نشان می‌دهد که حذف گویه ۸ افزایشی در ضریب پایایی آزمون که ۰/۷۵ بود ایجاد می‌کند و بنابراین گویه ۸ حذف شد. گویه‌های این پرسش‌نامه با طیف لیکرت ۵ تایی از کاملاً مخالف ۱، مخالف ۲، بی‌نظر ۳، موافق ۴ و کاملاً موافق ۵ نمره‌گذاری شده‌اند و هیچ‌یک از گویه‌ها نمره‌گذاری معکوس نداشته است. از مجموع نمرات همه گویه‌ها، نمره سرزندگی تحصیلی به دست می‌آید. در این پژوهش میزان ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۸ به دست آمد.

تحلیل داده‌ها با کمک نرم افزار تحلیل آماری SPSS نسخه ۲۲ انجام شد. به منظور تحلیل داده‌ها برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

از میان دانش‌آموزان شرکت‌کننده، ۵۴/۹ درصد (۱۷۴ نفر) را دختران و ۴۵/۱ درصد (۱۴۳ نفر) را پسران تشکیل دادند. از لحاظ پایه تحصیلی، ۳۶/۹ درصد افراد مورد مطالعه در پایه دهم، ۳۴/۷ درصد در پایه یازدهم و ۲۸/۴ درصد در پایه پیش‌دانشگاهی بودند.

1. Academic vitality questionnaire
2. Martin & Marsh

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	کم‌ترین	بیش‌ترین	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
بهزیستی روان‌شناختی	۱۱۶	۲۸۷	۲۰۹/۳۳	۳۰/۱۸۳	-۰/۲۶۹	-۰/۲۴۳
سرزندگی تحصیلی	۹	۴۵	۲۴/۹۴	۸/۸۴۵	۰/۲۹۲	-۰/۵۷۲
خردمندی	۵۹	۱۶۳	۱۱۵/۷۲	۱۴/۵۴۱	-۰/۲۱۰	۰/۹۵۲

از شرایط نرمال بودن داده‌ها، قرار گرفتن چولگی و کشیدگی در بازه‌ی (+۲، -۲) است (حبیبی، ۱۳۸۶). در آزمون نرمال بودن داده‌ها که روی داده‌های حاصل از ۳۱۷ آزمودنی انجام گرفت، نتایج نشان‌دهنده نرمال بودن داده‌ها بود.

فرضیه پژوهش: بین خردمندی و ابعاد آن با بهزیستی روان‌شناختی در دانش آموزان رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین خردمندی و ابعاد آن با بهزیستی روان‌شناختی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱- خردمندی	۱				
۲- مولفه شناختی	۰/۸۰**	۱			
۳- مولفه انعکاسی	۰/۶۶**	۰/۲۹**	۱		
۴- مولفه عاطفی	۰/۷۸**	۰/۴۴**	۰/۲۸**	۱	
۵- بهزیستی روان‌شناختی	۰/۵۲**	۰/۳۱**	۰/۴۸**	۰/۴۰**	۱

** $p < 0.01$

یافته‌ها نشان می‌دهد که خردمندی و ابعاد آن با بهزیستی روان‌شناختی دانش آموزان ارتباط دارد. میزان ضریب همبستگی به دست آمده برابر با ($r = 0.52$) بود. در نتیجه، این فرضیه در سطح ($p < 0.01$) پذیرفته می‌شود؛ یعنی، هر چه میزان خردمندی بالاتر برود، بهزیستی روان‌شناختی نیز بالاتر می‌رود. هم‌چنین بین مولفه‌های شناختی، انعکاسی و عاطفی خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد ($p < 0.01$).

برای پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی با توجه به مؤلفه‌های خردمندی از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد. قبل از گزارش نتایج رگرسیون ابتدا شرایط اجرای آزمون رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در این تحلیل مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۱/۸۹۱ بوده که نشان از برقراری فرض استقلال باقیمانده‌ها دارد. برای بررسی آزمون هم خطی چندگانه بین متغیرهای پیش بین نیز از شاخص‌های ضریب تحمل (تولرنس) و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. در این مدل رگرسیون برای متغیرهای پیش‌بین شاخص تحمل کمتر از یک و عامل

تورم واریانس که نمایانگر خطای استاندارد ضرایب رگرسیون است کمتر از ۱۰ به دست آمد، بنابراین مفروضه عدم هم خطی چندگانه برقرار است.

جدول ۳: ضرایب رگرسیونی بهزیستی روان‌شناختی بر اساس مولفه‌های خردمندی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	T	Sig	R	R ²	F
بهزیستی شناختی	شناختی	۰/۳۷۵	۰/۲۲۹	۰/۰۸۳	۱/۵۵۵	۰/۱۲۱	۰/۳۱۸	۴۸/۵۶۲
	انعکاسی	۲/۰۴۹	۰/۲۶۶	۰/۳۸۳	۷/۷۰۴	۰/۰۰۰		
	عاطفی	۱/۱۸۷	۰/۲۴۱	۰/۲۶۱	۴/۹۲۸	۰/۰۰۰		

نتایج نشان داد که مولفه‌های انعکاسی (۰/۳۸۳) و عاطفی (۰/۲۶۱) پیش‌بینی کننده بهزیستی روان‌شناختی است از واریانس بهزیستی روان‌شناختی را تبیین می‌نمایند.

فرضیه پژوهش: بین خردمندی و سرزندگی تحصیلی در دانش آموزان رابطه وجود دارد. برای آزمون این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

جدول ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین خردمندی و سرزندگی تحصیلی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱- خردمندی	۱				
۲- مولفه شناختی	۰/۸۰**	۱			
۳- مولفه انعکاسی	۰/۶۶**	۰/۲۹**	۱		
۴- مولفه عاطفی	۰/۷۸**	۰/۴۴**	۰/۲۸**	۱	
۵- سرزندگی تحصیلی	۰/۱۴**	-۰/۰۶	۰/۳۵**	۰/۰۸	۱

یافته‌ها نشان می‌دهد که خردمندی با سرزندگی تحصیلی دانش آموزان ارتباط دارد. میزان ضریب همبستگی به‌دست آمده برابر با (I= ۰/۱۴) بود. در نتیجه، این فرضیه در سطح (p < ۰/۰۱) پذیرفته می‌شود؛ یعنی، هر چه میزان خردمندی بالاتر برود، سرزندگی تحصیلی نیز بالاتر می‌رود.

هم چنین بین مولفه انعکاسی خردمندی با سرزندگی تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد (p < ۰/۰۱). برای پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی با توجه به مؤلفه‌های خردمندی از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد. قبل از گزارش نتایج رگرسیون ابتدا شرایط اجرای آزمون رگرسیون مورد بررسی قرار گرفت. در این تحلیل

مقدار آماره دوربین واتسون برابر ۲/۰۳۱ بوده که نشان از برقراری فرض استقلال باقیمانده‌ها دارد. برای بررسی آزمون هم خطی چندگانه بین متغیر پیش‌بین نیز از شاخص‌های ضریب تحمل (تولرنس) و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. در این مدل رگرسیون برای متغیر پیش‌بین شاخص تحمل کمتر از یک و عامل تورم واریانس که نمایانگر خطای استاندارد ضرایب رگرسیون است کمتر از ۱۰ به دست آمد، بنابراین مفروضه عدم هم خطی چندگانه برقرار است.

جدول ۵: ضرایب رگرسیونی سرزندگی تحصیلی بر اساس مولفه‌های خردمندی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد شده	T	Sig	R	R ²	F
شناختی		-۰/۲۶۵	۰/۰۷۵	-۰/۲۰۹	۳/۵۵۳	۰/۴۰	۰/۱۶	۲۰/۰۱۲
بهزیستی	انعکاسی	۰/۶۲۸	۰/۰۸۶	۰/۴۰۱	۷/۲۶۷	۰/۰۰۰		
روان‌شناختی	عاطفی	۰/۰۸۲	۰/۰۷۸	۰/۰۶۱	۱/۰۴۲	۰/۲۹۸		

نتایج نشان داد که مولفه شناختی (-۰/۲۰۹) و مولفه انعکاسی (۰/۴۰۱) پیش‌بینی کننده سرزندگی تحصیلی هستند ($P < ۰/۰۱$, $R^2 = ۰/۱۶$, $R = ۰/۴۰$)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه بیان داشت که مولفه‌های خردمندی ۱۶ درصد از واریانس سرزندگی تحصیلی را تبیین می‌نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه نشان داده شد که بین خردمندی و بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این دو مولفه انعکاسی و عاطفی خردمندی در مجموع ۳۱ درصد از واریانس بهزیستی روان‌شناختی را تبیین کردند. یافته این مطالعه با یافته مطالعات انجام شده توسط تیلور، بیتس و وبستر (۲۰۱۱)، وبستر (۲۰۱۰)، نیکوگفتار و سعیدی (۱۳۹۳)، بایلی (۲۰۰۹)، آردلت (۲۰۰۳)، آردلت (۲۰۰۰) و بیانچی (۱۹۹۴) همسو است. مطالعه بایلی (۲۰۰۹) نشان داد که خرد، تأثیر مثبتی بر سلامت جسمانی و کیفیت روابط خانوادگی دارد. همچنین آردلت (۲۰۰۰) دریافت که برخلاف نظریه موقعیتی (جانسون، ۱۹۹۵) متغیر نهفته خرد در مقایسه با سایر شاخص‌های کیفیت زندگی (برای مثال سلامت جسمانی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، امکانات مالی، محیط فیزیکی و دل‌مشغولی‌های اجتماعی) اثر نیرومندتری بر سلامت و رضایت از زندگی سالمندان دارد. نیکوگفتار و سعیدی (۱۳۹۳) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که هر سه مؤلفه خردمندی شامل ژرف‌نگری، شناختی و عاطفی رابطه معنادار با زیرمقیاس‌های سلامت عمومی و نمره کل آن داشتند.

خرد بعنوان یک مزیت در ارتباط با ابعاد مثبت است و احساساتی خوشایند^۱ را ایجاد و کسب می کند و احساسات منفی را می کاهد (نف، رود و کریکپاتریک^۲، ۲۰۰۷). توانایی خردمندی قابلیت ارزیابی زندگی بر اساس مفاهیم عمیق است و به شیوه‌ای انجام می‌پذیرد که برای خود فرد و دیگران معنادار به نظر برسد. خردمندی محصول دانش و تجربه، اما چیزی فراتر از انباشت اطلاعات است. خردمندی، هماهنگ‌سازی این اطلاعات و استفاده سنجیده از آن‌ها برای افزایش بهزیستی است. در بافت اجتماعی، خردمندی این اجازه را به افراد می‌دهد که به دیگران گوش کنند، آنچه آن‌ها می‌گویند را ارزیابی کنند و سپس توصیه‌های عاقلانه‌ای ارائه کنند.

آردلت (۱۹۹۷، ۲۰۰۰)، کرامر (۲۰۰۰)، توماس (۱۹۹۱) دریافتند که افراد خردمند رضایت زندگی بالایی دارند زیرا توانایی پذیرش فرازونشیب‌ها و کسب معنای زندگی و نبرد برای غلبه با آن‌ها را دارند و همین ویژگی‌ها سبب افزایش رضایت از زندگی آن‌ها می‌شود. رضایت از زندگی نقاط قوت روان‌شناختی را فراهم می‌کند که به این افراد توانایی تجربه‌ی چالش‌های زندگی را به روشی مؤثرتر فراهم می‌کند، این افراد فقط بر روی شرایط زندگی ایده آل تمرکز نمی‌کنند (لی، ۲۰۱۱؛ آردلت و آوه، ۲۰۱۰؛ ویستر، ۲۰۱۰؛ تاکاشی و اورتون، ۲۰۰۲). افراد خردمند، تبادلات اجتماعی مثبتی را که برای خودشان و دیگران مطلوب و سودمند هستند، ترویج می‌کنند، پرورش می‌دهند و به عمل درمی‌آورند (تیلور و همکارانش، ۲۰۱۱).

خرد، ترکیبی از گرایش‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی است که برای بهزیستی فردی و اجتماعی، نقطه‌ای آرمانی در نظر گرفته می‌شود، خرد از طریق تفکر و تجربه و در قالب شاخص‌های عاطفی، شناختی و ژرف‌نگری پرورش می‌یابد. شاخص عاطفی خردمندی دلالت بر وجود احساسات مثبت (شامل همدلی و شفقت) و نداشتن عواطف و رفتارهای منفی نسبت به دیگران است. شاخص شناختی خردمندی شامل توانایی و گرایش به درک زندگی و توجه به معانی عمیق‌تر آن به ویژه با توجه به موضوعات درون فردی و بین فردی است. شاخص ژرف‌نگری خردمندی ناظر بر ملاحظه رویدادهای زندگی از دیدگاه‌های گوناگون باهدف کسب بینش نسبت به ماهیت پدیده‌هاست. ژرف‌نگری، خودآگاهی را رشد می‌دهد و به‌طور هم‌زمان موجب افزایش شناخت و عواطف می‌گردد (آردلت، ۲۰۰۳).

اسمیت و بالتز (۱۹۹۰) خردمندی را مجموعه‌ای بسیار تحول‌یافته از دانش و قضاوت واقعی و اجرایی می‌دانند که با آنچه ملاحظات عملی اساسی زندگی نامیده می‌شود، سروکار دارد. ملاحظات عملی اساسی زندگی، مسائل مهم، اما غیرقطعی و مبهم زندگی را شامل می‌شود؛ به ویژه به بینش عمیق و قضاوت درست در مورد ماهیت وضعیت بشر، روش‌ها و ابزار برنامه‌ریزی، مدیریت و درک یک زندگی خوب اشاره دارد. از نظر آن‌ها خردمندی به

1. Neff, Rude, Kirkpatrick

عنوان اوج عملکرد یا حتی نقطه پایانی دانش بشری و تحول آن است که می‌تواند مشابه مرحله خود شکوفایی مزلو باشد.

هم‌چنین یافته‌ها حاکی از آن بود که بین خردمندی و سرزندگی تحصیلی ارتباط معناداری وجود دارد و مولفه شناختی و مولفه انعکاسی پیش‌بینی کننده سرزندگی تحصیلی بودند. طبق نظریه تعادلی استرنبرگ، خردمندی آموخته نمی‌شود، بلکه به‌طور غیرمستقیم کسب می‌شود؛ به عبارت دیگر، می‌توان شرایطی را برای تحول خردمندی ارائه کرد، اما نمی‌توان واحدهای خاصی از اعمال را بدون مهیاکردن شرایط به افراد آموخت تا خردمند شوند. علاوه بر استرنبرگ که توجه خاصی به محیط‌های آموزشی اولیه و نیز دوره نوجوانی در تحول خردمندی داشته است، براون (۲۰۰۴) نیز در پژوهشی گسترده، دانشگاه را به عنوان یکی از بافت‌هایی که احتمالاً خردمندی را تسهیل می‌کند، معرفی کرده است. درواقع، براون و گرین (۲۰۰۶) این نکته را مدنظر قرار داده‌اند که دانش کلی که از تجارب دانشگاهی کسب می‌شود، چه نقشی در شکل‌گیری خردمندی در دانشجویان دارد. در پژوهش آن‌ها مفهوم خردمندی همانند پیوستاری در نظر گرفته شده است که تمام افراد از جمله دانشجویان نیز می‌توانند در آن جای گیرند. مدل مفهومی براون (۲۰۰۴) چارچوبی از تغییرات چندبعدی دانشجویان در طول دوره تحصیل را نشان می‌دهد. بنا به فرضیه او، هر زمان که دانشجویان در فرایندهای یادگیری از زندگی درگیر می‌شوند، یک بعد یا تعداد بیشتری از ابعاد خردمندی در آن‌ها شکل می‌گیرد. تمام موقعیت‌ها می‌توانند بر فراوانی و کیفیت خردمندی تأثیرگذار باشند. در نظریه او، یادگیری از زندگی^۱ طبقه هسته‌ای^۲ است که درواقع فرایندی از تفکر و عمل است و طبقه‌های دیگر به عنوان موقعیت‌های بافتی در نظر گرفته می‌شوند که بر چگونگی و میزان درگیری تأثیرگذار هستند.

در مدل براون (۲۰۰۴)، شرایطی که به‌طور مستقیم رشد خرد را آسان می‌کنند شامل: جهت‌گیری و تمایل دانشجویان به یادگیری^۳ که به نگرش‌ها، تجارب و زندگی نامه‌های شخصی و انگیزه‌های فردی به موجب تعامل با افراد و موقعیت‌هایشان اشاره دارد. تجربه‌ها^۴ که به هر نوع فعالیت سازمان‌یافته و سازمان نیافته اشاره دارد. تعامل با دیگران^۵، اشاره دارد به اینکه چطور دانشجویان با اشخاص شبیه به خود یا متفاوت از خودشان در زمینه‌های گوناگون مواجه می‌شوند. محیط^۶، اشاره به جایگاه جامعی دارد و در زمینه‌هایی توسعه می‌یابد که دانشجویان، جهت‌گیری به یادگیری، انواعی از تجارب و تعامل با مردم متقابلاً برای تولید خرد در یکدیگر اثر

-
1. Learning from life
 2. Core category
 3. Orientation to learning
 4. Experience
 5. Interactions with others
 6. Environment

می‌کنند. عامل‌هایی نیز وجود دارند که به رشد خرد کمک می‌کنند این عوامل، تجارب کاری، تجارب زندگی، کنش متقابل اجتماعی، مشاهدات، آموزش خانواده، رشد حرفه‌ای، مذهب و خواندن را شامل می‌شود. براون (۲۰۰۴) معتقد است محیط دانشگاهی باید به گونه‌ای باشد که در آن جهت‌گیری نسبت به یادگیری، تنوع تجارب و تعامل با دیگران، فرد را در دستیابی به خردمندی یاری کند.

نخستین محدودیت مطالعه حاضر به طرح آن مربوط می‌شود. مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی است لذا روابط به دست آمده را نمی‌توان به عنوان روابط علی تفسیر کرد. محدودیت دوم آن مربوط به استفاده از ابزارهای گزارش شخصی است. این ابزارها دارای بعضی از محدودیت‌های ذاتی (عدم خویشتن نگری، خطای اندازه‌گیری و غیره) هستند، لذا نابسندگی روش اندازه‌گیری متغیرها می‌تواند به عنوان یک محدودیت جدی یافته‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. محدودیت دیگر این مطالعه مربوط به جامعه مورد مطالعه است. جامعه آماری این پژوهش را دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان خوسف در استان خراسان جنوبی هستند لذا یافته‌ها قابل تعمیم به سایر نقاط کشور نیست. در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، این پژوهش در سایر گروه‌های سنی و در سایر نقاط کشور تکرار شود تا شواهدی از بسط روابط ساختاری کشف شده به دست آید.

منابع

- اسعدی، سمانه، امیری، شعله، مولوی، حسین و باقری نوع پرست، خسرو. (۱۳۹۲). معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن. رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، ۸، (۲، ۱۸)، ۲۸-۱.
- حبیبی، آرش (۱۳۸۶). آموزش کاربردی SPSS. نشر الکترونیک.
- دهقانی زاده، محمدحسین و حسین چاری، مسعود (۱۳۹۱). سرزندگی تحصیلی و ادراک از الگوی ارتباطی خانواده؛ نقش واسطه‌ای خودکارآمدی. مطالعات آموزش و یادگیری، ۴(۲)، ۴۷-۲۱.
- عریضی، حمیدرضا، نوری، ابوالقاسم و شوشتری، فاطمه. (۱۳۸۶). رابطه ادراک سروصدا با سرزندگی. تازه‌های علوم شناختی، ۹(۴)، ۶۶-۷۰.
- میکائیلی منیع، فرزانه (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در بین دانشجویان دانشگاه ارومیه. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، ۵(۱۸)، ۱۶۵-۱۴۳.
- نیکوگفتار، منصوره و سعیدی، محمدتقی (۱۳۹۳). نقش پیشبین خردمندی در سلامت عمومی سالمندان. روانشناسی سلامت، ۳(۲)، ۴۶-۳۸.

- Ardelt, M. (1997). Wisdom and life satisfaction in old age. *Journal of Gerontology: Psychological Sciences*, 52(1), 15-27.
- Ardelt, M. (2000). Antecedents and Effects of Wisdom in Old Age: A Longitudinal Perspective on Aging Well. *Research on Aging*, 22:360-94
- Ardelt, M. (2003). Empirical Assessment of a Three-Dimensional Wisdom Scale. *Research on Ageing*, 25(3), 275-324.

- Ardelt, M. (2011). Wisdom, Age, and Well-Being. In K.W.Schaie & S. L. Willis (Eds.), *Handbook of the Psychology of Aging*. AP: Academic Press.
- Ardelt, M., & Oh, H. (2010). *Wisdom: Definition, assessment, and its relation to successful cognitive and emotional aging*. In D. Jeste & C. Depp (Eds.), *Successful cognitive and emotional aging* (pp. 87–113). Washington, DC: American Psychiatric Publishing.
- Assmann, A. (1994). "Wholesome Knowledge: Concepts of Wisdom in a Historical and Cross-Cultural Perspective." Pp. 187-224 in *Life-Span Development and Behavior*, vol. 12, edited by D. L. Featherman, R. M. Lerner, and M. Perlmutter. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Bailey, A. (2009). *Cultivating wisdom through a service-learning experience. A dissertation submitted to the faculty of the graduate school*. Bianchi, E.C. (1994). *ElderWisdom. Crafting YourOwnElderhood*. NewYork: Crossroad.
- Brown, S. C. (2004). Learning across campus: How college facilitates the development of wisdom. *Journal of College Student Development*, 45, 134-148.
- Brown, S. C. and Greene, J. A. (2006). The wisdom development scale: Translating the conceptual to the concrete. *Journal of College Student Development*, 47(1), 1-18.
- Edwards, S.D. (2005). A psychology of breathing methods. *Internation Journal of Mental Health Promotion*, 7 (4), 28-34.
- Gilbert, D. T. (2006). *Stumbling on happiness*. New York: Knopf
- Greene, J. A., & Brown, S. C. (2009). The wisdom development scale: further validity investigation. *Aging and Human Development*, 68(4), 289-320.
- Khajeh, Nabiollah., Bahrami, Fatemeh., Fatehizadeh, Maryam., Abedi, Mohammadreza. (2012). Predicting psychological well-being based on marital relationship quality, empathy and systematization in married students of Isfahan university. *Journal of psychological studies*, 8(2), 74-95.
- Kramer, D. A. (2000). Wisdom as a classical source of human strength: Conceptualization and empirical inquiry. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19(1), 83–101.
- Le, T. N. (2011). Life satisfaction, openness value, self-transcendence, and wisdom. *Journal of Happiness Studies*, 12, 171–182.
- Martin, A. J., & Marsh, H. W. (2008). Academic buoyancy: Towards an understanding of students' everyday academic resilience. *Journal of School Psychology*, 46(1), 53-83.
- McMahon, D. M. (2006). *Unahistoria de la felicidad*. Madrid: Taurus.
- Neff, K. D., Kirkpatrick, K. & Rude, S. S. (2007). Self-compassion and its link to adaptive psychological functioning. *Journal of Research in Personality*, 41, 139-154.
- Pettus, K. R. (2006). *The relationship of prenatal monitoring to community college student adjustment and achievement: Differences by gender, ethnicity, parental education level, and student residence*. Unpublished Ph.D. Dissertation, Carolina University.
- Putwain, D. V., Connors, L., Symes, W., & Douglas-Osborn. E. (2011). Isacademic buoyancy anything more than adaptive coping?. *Anxiety, Stress & Coping*, 1-10.
- Ryff, C.D. (1989). Beyond Ponce de Leon and life satisfaction: new directions in quest of successful aging. *International Journal of Behavioural Development*, 12, 35 – 55.
- Smith, J., & Baltes, P. B. (1990). Wisdom-related knowledge: age/Cohort differences in responses to life planning problems. *Developmental Psychology*, 26(3), 494-505
- Sternberg, R. J. (2004). What is wisdom and how can we develop it? *The Annals of the American Academy of Political and Social*, 591, 164–74.
- Takahashi, M., & Overton, W. F. (2002). Wisdom: A culturally inclusive developmental perspective. *International Journal of Behavioral Development*, 26(3), 269–277.

- Taylor, M., Bates, G., & Webster, J. D. (2011). Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS). *Experimental Aging Research*, 37(2), 129–141.
- Taylor, S. E., Kemeny, M. E., Reed, G. M., Bower, J. E., & Gruenewald, T. L. (2000). Psychological resources, positive illusions, and health. *American psychologist*, 55 (1), 99-109
- Thomas, L. E. (1991). Dialogues With three religious renunciates and reflection on wisdom and maturity. *International Journal of Aging and Human Development*, 32, 211-227.
- Vazquez, C. (2009b). El bienestar de las personas. In C. Vazquez & G. Hervas (Eds.), *La ciencia Del bienestar: fundamentos de una Psicología positiva* (pp. 103-141). Madrid: Alianza Editorial
- Webster, J. (2010). Wisdom and positive psychosocial values in young adulthood. *Journal of Adult Development*, 17, 70-80.
- Webster, J. D. (2003). An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale. *Journal of Adult Development*, 10(1), 13-22.
- Yang, S. (2013). Wisdom and good lives: A process perspective. *New Ideas in Psychology*, 31 (3), 194-201.
- Yang, S.Y. (2008). Real-life contextual manifestations of wisdom. *International Journal of Aging and Human Development*, 67(4), 273–303.

Relationship Between Wisdom and Psychological Well-Being and Academic Buoyancy of Students

Narjes Katon Zabihi Hesari¹, Mohammad Reza Chaji², Ali Zare- Moghaddam³

Abstract

This study aims to investigate the relationship between wisdom and psychological well-being and academic buoyancy of students. This is a correlation study. The statistical population of this research includes all high school Secondary students of Khusf town, and 317 students were selected through cluster random sampling method. Research tools employed include Wisdom Scale of Ardel, psychological well-being scale of Ryff and academic buoyancy of Dehqanizadeh and Hussein Chari. For analysis, Pearson correlation coefficient and regression analysis were adopted. Results showed that significant and positive relationship between wisdom and academic buoyancy and psychological well-being exist. The reflective and emotional components of wisdom predicted the level of psychological well-being, and cognitive and reflective components predicted the level of academic buoyancy. Thus, it can be concluded that wisdom is a reliable anticipator for academic buoyancy and psychological well-being between students, and wiser students have higher levels of academic buoyancy and psychological well-being.

Keywords: Educational pattern; Parent-Child relationship; Critical thinking

-
1. Assistant professor, Payam-noor University
 2. MA student in Educational Psychology, Payam-noor University, Torbathaydaria branch
 3. Lecture of Islamic Azad University, Nehbandan branch